

۴ سفالگری عشق است

همه آن چیزی که تا امروز باعث شده است کارگاه سفالگری اکبر حیدریان همچنان سرپا بماند و بالاوپایین های بازار او را مثل بقیه متقاعد نکند که در کارگاهش را ببندد، عشق است، نه چیز دیگر. می گوید: سفالگری با اینکه کاری سخت و گاهی اوقات طاقت فرسا است، اما باور کنید که به ما نشاط هدیه می دهد و اصلا خستگی حالی مان نمی شود. این نه فقط در مورد من که در مورد همه هنرمندان این رشته صدق می کند و هر سفالگری را که در هر نقطه از ایران پیدا کنید، می بینید که آدم سرزنده و بانشاطی است. وقتی که با خاک سروکله می زنی و از دل آن چیزی را خلق می کنی، حس خوبی داری که من تا الان در جایی غیر از کارگاه سفالگری پیدايش نکرده ام.

وقتی که با خاک سروکله می زنی و از دل آن چیزی را خلق می کنی، حس خوبی داری که من تا الان در جایی غیر از کارگاه سفالگری پیدايش نکرده ام

۴ متناسب با بافت منطقه کار تولید می کنیم

توليدات کارگاه سفالگری حیدریان کاملاً متنوع و از همه مهم تر اینکه متناسب با بافت منطقه ای است که در آن کارگاه دارند و زندگی می کنند. «زمانی که در عراق بودیم، کارمان فقط تولید خمره های بزرگ سفالی بود. آن موقع خبری از یخچال نبود و مردم برای اینکه مواد غذایی شان را نگه دارند از این خمره ها استفاده می کردند. چون خاک ژس سرد است و تقریباً شبیه یخچال عمل می کند. در ایران ولی کارهایمان متنوع است. مثلاً اینجا چون بافت روستایی دارد، مردم مشتری کوزه های بزرگی هستند که داخلش پنیر و ماست درست و نگه داری کنند. هنوز هم خیلی ها مشتری همان خمره های بزرگ هستند و طبیعی است که ما تولیدش را ادامه می دهیم. گلدان سفالی هم که هیچ وقت قدیمی نمی شود و همیشه مشتری خاص خودش را دارد؛ البته اگر کارگاه مادر کشور یا اصلاً در شهر دیگری بود، نوع کارهایی هم که تولید می کردیم با الان کاملاً تفاوت داشت.»

۴ همه چیز روی اصول

جالب اینجاست که در سفالگری همه چیز اصول خاص خودش را دارد. از شکل کارگاه گرفته که باید چگونه باشد تا اینکه ظرف مخصوص استفاده در هر کار باید چطور تولید شود. اکبر حیدریان توضیح می دهد که اگر توجه کرده باشید، کارگاه های سفالگری همه در زیرزمین هایی هستند که سقف های گنبدی شکل، یا به قول بناها ضربی دوردار، دارد. می دانید دلیلش چیست؟ اگر فضای کارگاه سفال گیری در تابستان بیش از حد گرم و در زمستان بیش از حد سرد باشد، گل خراب می شود و دیگر نمی توان با آن چیزی ساخت و یا اگر هم ظرفی ساخته شده باشد هیچ کیفیتی ندارد. برای همین کارگاه های سفالگری را در زیرزمین ایجاد می کردند که در تابستان سرما و در زمستان گرمای متعادلی دارد. درست است که الان خیلی ها کارگاه هایشان را صنعتی کرده اند و در سوله های بزرگ کار می کنند، اما اصلش این گونه است.

او ادامه می دهد: جدا از مسئله کارگاه، در سفالگری هر ظرفی متناسب با کاری ساخته می شود و اصلاً شیوه تولیدش فرق می کند. مثلاً ظرف هایی که برای نگهداری ماست، رب، پنیر و این جور چیزها درست می شود، باید لعاب داشته باشند تا سفال، آب داخل آن ها را خشک نکند. چون در غیر این صورت فاسد می شوند. اما برای کوزه آب، این جریان اتفاق نمی افتد. به همین دلیل است که وقتی مشتری می آید، اولین سؤالی که از او می پرسیم این است که ظرف سفالی را برای چه کاری می خواهد؟

۴ فناوری به کارگاه سفالگری هم سرک کشیده است

«کار در کارگاه های سفالگری خیلی راحت تر از قبل شده است.» این را هنرمند منطقه ما می گوید و ادامه می دهد: قبل از اینکه این دستگاه ها بیاید و کار ما را راحت کند، سفالگری کار پرزحمت و سختی بود. یادم هست که یکی دو کارگر استخدام می کردند که فقط گل لگد کنند. یعنی از صبح تا بعد از ظهر کارشان فقط همین بود. الان دستگاه هایی مثل چرخ گوشت درست کرده اند که خودش گل را ورز و از آن طرف بیرون می دهد. یا اینکه چرخ هادستی بود و کسی که پای آن می نشست پس از چندسالی مریض می شد و دیگر نمی توانست کار کند، در حالی که شما دیگر چرخ سفالگری دستی پیدا نمی کنید؛ همه برقی شده است. قدیم کوره ها نفتی بود و موقعی که روشن می کردیم، دوده همه جای کارگاه را مثل ذغال سیاه می کرد، الان همه کوره ها گازی شده و دیگر نمی خواهد مدام دنبال نفت باشیم. خدا را شکر کارمان راحت تر از قبل شده است.

۴ سفالگری نودساله ای که هنوز پابر جاست

کارگاه سفالگری که امروز خانواده حیدریان از آن نان درمی آورند نزدیک به نودسال قدمت دارد و از روز اول کاربری اش کوزه گری بوده است، نه چیز دیگر. او تعریف می کند: آن زمان من در همین حاشیه جاده سیمان به همراه پدرم در کارگاهی در نزدیکی همین بنا کار می کردم. صاحب اینجا پیرمردی بود که مثل ما مشغول آباو اجدادی اش سفالگری بود و به رحمت خدا رفت. تا چندسال پس از فوتش شاگرد افغانستانی اش کارگاه را می چرخاند و بعد اینکه به کشورش برگشت ما اینجا را اجاره کردیم. به گمانم سال ۱۳۷۵ بود. اهالی می گفتند که این کارگاه یکی از کوزه گری های قدیم منطقه است و درست می گفتند. اینجا چیزی در حدود نودسال قدمت دارد و از روز اول برای سفالگری ساخته شده است. الان هم ما تنها بازمانده کارگاه های سفالگری این محدوده هستیم و بقیه جمع کرده اند و رفته اند. حیدریان ادامه می دهد: ما هم هیچ تغییری در بنای کارگاه ایجاد نکردیم و هنوز به همان سبک و سیاق چندین سال پیش است. فقط دستی به سر و روی بیرون ساختمان کشیدیم و دوده هایی که از تنور نفتی روی سقف و دیوارها نشسته بود را پاک کردیم.

۴ کارگاه های این منطقه همه شان تعطیل شده اند

کارگاه حیدریان شاید تنها بازمانده سفالگری های پر تعداد ده بیست سال گذشته جاده سیمان باشد که حالا جایانش را به تعمیرگاه های خودرو و ضایعاتی ها داده اند. «زمانی که ما اینجا کار می کردیم، از فرقی تا همت آباد و علی آباد، پر از کارگاه های ریز و درشت سفالگری بود. چون خاک این منطقه برای انواع و اقسام سفال بسیار مناسب بود. اما به مرور زمان این کارگاه ها یکی پس از دیگری تعطیل شدند. وقتی صاحبان اصلی شان که جزو استخوان خورده های این کار بودند فوت می کردند، فرزندانشان رغبتی به ادامه دادن شغل پدرشان نداشتند و ترجیح می دادند که کارگاه را تبدیل به پول کنند و سراغ کار کم در دسری بروند. الان کارگاه ما تنها سفالگری این محدوده است که هنوز سرپا مانده است و البته ما هم خیال تعطیل کردنش را نداریم.»

۴ مردم روی موج سنت گرایی هستند

حرف از بسته شدن کارگاه ها که به میان می آید، ذهنمان به این سمت می رود که احتمالاً روگردانی مردم از سفال باعث تعطیلی این همه کارگاه شده است. از حیدریان می پرسیم که اکنون کسی علاقه به استفاده از سفال دارد یا نه؟ او این طور پاسخ می دهد: یک دوره تقریباً طولانی مدتی کسی سمت اشیای سفالی نمی آمد و برای همین اوضاع چندان مناسب نبود. اما از زمانی که پزشکان طب سنتی گفتند که ظروف سفالی چه مزایایی دارد و آب در کوزه تصفیه و گوارا می شود، مردم دوباره به صرافت خرید کوزه و سفال و این جور چیزها افتاده اند. مثلاً امسال ما تعداد زیادی کلمن سفالی ساختیم و فروختیم که بی سابقه بود. جدا از این موضوع، با راه افتادن موج استفاده از اشیای سنتی خیلی های می آیند و گلدان سفالی و از این جور چیزهای می خرند. حتی تازگی خیلی های می آیند تا ما برای باغشان تنور نانوبی گلی درست کنیم.

هم صحبت ما از مشتاقان یادگیری این هنر هم در ادامه حرف می زند و می گوید: افرادی هم که دوست دارند این کار را یاد بگیرند، به طور عجیبی زیاد شده است. چهار پنج سال پیش این طور نبود. الان در هفته چندین نفر اینجا می آیند و می خواهند که ما به آن ها سفالگری یاد بدهیم. بیشتر هم خانم ها مراجعه می کنند.

از صفر تا صد ساخت سفال

داخل کوره می گذاریم تا پخته شوند. یکی دو روزی سفال ها داخل کوره روشن هستند تا پختشان کامل شود. پس از اینکه کوره خاموش می شود به دلیل حرارت زیادی که دارد پنج شش روز طول می کشد که مقداری سرد شود و بتوانیم سفال ها را از داخل آن خارج کنیم.

می شوند. ولی گلدان ها و خمره های بزرگ را باید در چند مرحله ساخت، هر قسمتش را باید یک بار بسازیم و بعد در آخر، وقتی هنوز خشک نشده است، آن را به هم وصل کنیم. ۴: کار که مقداری خشک می شود، اضافه گل های روی آن را باید بگیریم تا ظرف سفالی یکدست و زیبا شود و بعد آن ها را

این گل باید این قدر ورز داده شود که نه خیلی شل باشد و از هم و اب رو و نه خیلی سفت که اصلاً نشود شکلش داد. ۳: برای شکل دادن به گل و ساخت چیزی که مدنظرمان است، آن را روی چرخ سفالگری می گذاریم. چیزهایی مثل فلک یا گلدان های کوچک در یک مرحله آماده

۱: اولین کاری که انجام می دهیم، خیس کردن خاکی است که بر ایمان آورده اند. تقریباً ده دوازده روزی همان طور نم کشیده باید بمانند تا یکدست شوند و به قول معروف لکه هایش از هم باز شود. ۲: بعد ۱۰ روز نوبت به لگد کردن گل ها می رسد که این کار تازگی ها دستگاه انجام می دهد.

